

گرتو قرآن را برین نمط خوانی!*



پیوسته بگذشته بخش یکصد و بیست و پنجم:

گویند با اینکه انوشیروان سی هزار مزدکی را یک قلم کشتار کرد ، چطور لقب انوشیروان عادل گرفته است در جواب گفته شد ، این لقب شریف بخاطر آن است که مرحوم انوشیروان در قتل و غارت هیچگونه تبعیض قائل نه می شد و مساوات را رعایت میکرد و میدانید که ظلم با لسویه هم نوعی عدل است ؛ ظلم عادلانه ! اکنون در پرتو این نوع عدالت انوشیروانی میبینیم که در سایه حاکمیت پانزده ساله نظام مافیائی بر افغانستان نه تنها با شعار های ایدئولوژیک اعم از چپ و یاهم راست مذهبی وداع گفته شد بلکه آرام ، آرام در برابر تمامی مفاهیمی چون تحقق عدالت عمومی در حوزه فرهنگ و اقتصاد ، انسان دوستی ، حقوق بشر- منافع ملی و غیره از یک زاویه ای به ظاهر علمی و منطقی نفرت بی نظیری تولید میگردد . که روی همین دلیل بسیاری از به ظاهر نیروهای پیشتاز و ترقی خواه کشور محمد اشرف غنی رئیس حکومت وحدت ملی در افغانستان آخرین مهره نظام مافیائی را که در رأس شرکت موسوم به حکومت وحدت ملی افغانستان نصب گردیده است یکی از تکنوکرات های میداند که برای پیشرفت و ترقی کشور نه از نسخه های به میعاد گذشته مذهبی و قومی!! استفاده میکند بلکه سکولاریزم را البته نه به تعبیر فرآیند " سکولاریزاسیون " منبع اصلی حل بحرانهای کشور می شمارند .

گرتو قرآن برین نمط خوانی ببری رونق مسلمانی

از گلستان حضرت سعدی علیه الرحمه

همین انگیزه و شاید هم مغالطه این تپیی از روشنفکران درباره مفاهیمی از " مدیریت کاذب و شعار های بدون پشتوانه " که آقای محمد اشرف غنی از طراحان اصلی آن به حساب می آید سبب شده تا تمامی تخم های گندیده ای از انتخابات را در سبب تیم تحوّل و تداوم برهبری اشرف خان غنی جابجا سازند . راستی از شعار های بدون پشتوانه ای « **زور کم قهر زیاد!!** » دومین متفکر جهان محمد اشرف خان غنی یاد کردیم که بلاد رنگ حکایتی از حضرت سعدی آن عارف بلند مقام فرهنگ و عرفان شرق به یادم

آمد که در اثر بسیار آموزنده اش گلستان برشته تحریر درآورده و اینگونه آنرا بیان داشته است :
« نا خوش آوازی به بلند قرآن همی خواند ، صاحب‌دلی بر او بگذشت گفت : « ترا مشاھرہ چند است ؟ »
گفت "هیچ !" گفت « پس این زحمت خود چندین چراھمی دهی ؟ » . گفت « از بهر خدا می خوانم » .
گفت : « از بهر خدا مخوان ! » .

گرتو قرآن برین نمط خوانی ببری رونق مسلمانی .

در سایه فرمایشش شیخ اجل به شرح فوق مبرهن میباشد که سخن را راوی با صاحب‌دلان است . اما از اینکے گاهی به منظور و هدف نامعینی اما جهت داری حضرت والا حضرت اشرف خان غنی و اذنا ب اش میفرمائند لابد محل تأمل است .

<https://www.youtube.com/watch?v=5JwEx3yQbYU>

بدون تردید نظام مبارکه ء غارتگری و مافیایی معاصر که بیش از چهارده سال بر سرنوشت مردم افغانستان سینه افکنده است با همه معیوبیتها و خرابی هایش یک حسنی را نیز بحیث دست آورد بزرگی از این دوره تاریخی برجا گذاشت آن دست آورد این است که ریشه هر نوع تعصب قومی و نژادی اعم از تعصب مثبت و عصبیتهای منفی رادربطن فرهنگ جامعه خشکاند.وبالآخره عقلای!! برمسند نشسته قوم با نادیده گرفتن روح منافع علیای وطن با ذلت و حقارت مشغول سپاسگذاریها از قاتلان و مقتولان شده اند .!! چناچه می بینید عزیزان این حضرت آقا محمد اشرف خان غنی با چه ادبیاتی و با چه ژست و مؤقیعتی میفرمایند که گویا قدردانی از شهدای افغانستان که بصورت روزانه سربازها " برید ملا !" که به یقین هدف سرقوماندان اعلا ی اردوی افغانستان همانا " برید من ها "ی تسجیل شده در رُئب عسکری میباشند (۱) جنرالهای افغانستان در صف اول جنگ حاضر به قربانی هستند و این حکایه از تعهد است بحیث سرقوماندان اعلی ، بحیث رئیس جمهور افغانستان و به حیث نمائنده منتخب ملت !! من از شما تشکر میکنم.



طرح یک پرسش فلسفی و سیاسی درباره مشروعیت حقوقی دولت افغانستان !

علی الرغم اینکه اکیداً باوردارم نظام کنونی مافیائی حاکم بر افغانستان به جز تولید روزافزون فقر اجتماعی، فرهنگی و عقب مانده گی عمومی هیچگونه تأثیری بر بهبود وضعیت عمومی مردم و توده های افغانستان نخواهند داشت و ندارد با آنهم چندین شب و روز است که مدام در اندیشه ء منبع مشروعیت دهی "حکومت وحدت ملی افغانستان!!" هستم که آیا منبع الهام این اداره حاکم بر سرنوشت افغانستان قانون اساسی افغانستان است یا موافقتنامه تشکیل حکومت موسوم به وحدت ملی افغانستان ؟ آیا حکومت موسوم به وحدت ملی افغانستان مانند سائر حکومت های موقت در جوامع جنگ زده وظائف مشخصی از یک دولت موقت در یک مقطع خاصی از کشور که در نتیجه مداخله و مصالحه ملی و بین المللی برویت یک موافقتنامه بوجود می آیند را بر عهده دارند و یا هم بدون در نظر داشت

بخشی از تحولات سیاسی و واقیعت های تلخ روزگار ما که بخشی از تاریخ باستانی این مرزوبوم آلوده بر تقلبات فروانی گشته است و در نتیجه همان تقلبات عریان ایالات متحده امریکا در چهارچوب سازمان ملل متحد وارد عمل شد

<https://www.youtube.com/watch?v=vzWrsfTldvI>

و پس از چندین شب و روز موافقتنامه تشکیل حکومت موسوم به وحدت ملی افغانستان را اعلام کرد و حکومت بيماربا مشروعیت پارادوکسیال حقوقی برای نخستین بار در افغانستان ظهور یافت بدون شک که پرسش تقابل موافقتنامه حکومت موسوم به وحدت ملی افغانستان با قانون اساسی این کشور در ذهن عامی ترین افراد این جامعه مطرح شد اگر همه نه توانند رگه هاوریشه های اصلی این حکومت را تشخیص دهند، حلقوم های کسانی را که در قدرت مافیائی حکومت موسوم به وحدت ملی جابجا میگردیدند می شناسند و از گذشته ای ناپاک اکثری از این مهره ها اطلاعات دقیقی دارند . البته نه میتوان این حقیقت روشنی در جامعه افغانستان را که از بدو تأسیس حکومت های کودتائی در سرزمین عصیان خیز افغانستان جوهر " نه " گفتن و اعتراض جمعی را با امتیازات فردی ذبح گردیده است . شگفت انگیز است که در این همه مغالطه های حقوقی و تناقضات اصولی موافقتنامه تشکیل حکومت وحدت ملی با قانون اساسی افغانستان حقوقدانان و روشنفکران جامعه افغانستان نه تنها صدای را از حلقوم بلند نه ساختند بلکه هر یکی از واحد های این تبار روشنفکری در معامله جداگانه بر سر قدرت مشغول معامله و چانه زنی شدند



و اکنون می بینیم از اثر چنین غفلت و معامله گری روشنفکران معامله گر است که مرد حقیری از تبار در مانده گان فقط با اندک تملقی که توجه به آن خاصه ای چنین دیکتاتوران نرم افزاری است خود را در مقام " لظ الهی " میبیند و نه تنها با ضمائر مفرد متکلم سخن میگویند بلکه مسلم ترین ارزشهای ملی و پسندیده انسانی را در نشهء قدرت مصنوعی مسخ میسازد . چنانچه سردار محمد اشرف خان غنی احمدزی دریکی از خطبه های " سیا " سی اش تیز جدیدی در حوزه ادبیات و سیاست را در مقائسه میان قانون و جرگه این گونه بیان فرمودند :

<https://www.youtube.com/watch?v=5m9HfFBHkktk>

این تنها غفلت در سخوانده ها و شبه روشنفکران جامعه افغانی نیست که رجال برجسته مملکت افغانستان با این گونه ادبیات سخن میگویند بلکه این روح اصلی نظام بورژوائی بویژه با قرئت مافیائی در افغانستان است که از سالهای سال در شریانهای جامعه عقب نگهداشته شده افغانی جریان دارد و می بینیم که مسأله حل بحران افغانستان با این ساده گی که روشنفکران طماع جامعه ما تصور می کنند ، نیست وضعیت کنونی جامعه ما نشانگر این حقیقت است که ما از سالهای سال بدینسو در لحافی پیچیده شده ایم که برتن بیماران بیگانه افتاده بود . و اکنون نه به مصلحت بیماری و هویت

تاریخی و تمدنی ما بلکه به مقتضای منافع شرکت های چند ملیتی پتروشیمی و نفت و گاز جهانی برای استفاده ما تدارک دیده شده است .



اما وقتی مردم عوام عدم درایت دومین متفکر جهان و مردی از "مود و فیشن" در مدیریت جامعه را می بینند از خود می پرسند که چگونه است که شخصیت های بزرگ جلوه داده شده ای چون دکتر محمد اشرف غنی قبلاً ملقب با احمدزی که در عین باور بر **سکولاریزم** در سدد نزدیک ساختن فاصله میان مسجد و ارگ است و دکتور عبدالله، عبدالله که یک دکتر چشم است و از همان اوایل جهاد مقدس مردم افغانستان در کنار زنده یاد شهید احمدشاه مسعود قهرمان ملی کشور سپری نموده است وی مصرانه میخواهد که این چند روزی را که در کنار قهرمان ملی قرار داشت آنرا به عنوان قباله ای از تجاوز بر حقوق حقه ای از بیچاره گان و درمانده گان بقبولانند . آقای عبدالله باید بداند که دیگر مردم عوام کالانعام نیستند ، هم آگاهی اجتماعی پیدا کرده اند و هم غالباً با کتاب و روزنامه سروکار دارند ، قتی مردم موافقتنامه ای را که در نتیجه تقلب انتخاباتی تیم اشرف غنی و استغاثه شما به عنوان بزرگترین حریف بدون تفکرو نقشه راه اصلاحات ، دانسته میشوید مقام ریاست حکومت وحدت ملی را که با مشروعیت موافقتنامه حکومت وحدت ملی تأسیس گردیده بدون اندکترین تأمل مقام ریاست جمهوری اسلامی افغانستان میدانید طبیعی است که مردم درباره اطلاعات ابتدائی حقوقی تان شک کنند . زیرا با پذیرش موافقتنامه حکومت وحدت ملی در افغانستان اکثر مفادات متعلق با قانون اساسی افغانستان بویژه در حوزه صلاحیت های رئیس جمهور دولت اسلامی افغانستان بصورت مجهول تعطیل گردیده اند بناً وقتی آقای محمد اشرف غنی رئیس حکومت وحدت ملی افغانستان خود را سر قوماندان اعلی ، رئیس جمهور منتخب مردم افغانستان ، با دیگر صلاحیت های جانبی متعلق با خانواده اش که همسر اش میتواند بحیث بانوی اول مملکت در بسیاری از مجامع ملی و بین المللی حضور پیدا کنند بدان که نخستن بذرچنین تخطی های آشکار متفکر دوم و رئیس حکومت وحدت ملی افغانستان را جناب شما بحیث شریک قدرت در زمین لا مزرع " سیا" ست پاشیده اید

...



* حکایتی از گلستان حضرت سعدی علیه الرحمه

۱ : حدس و گمان نواندیشی که حضرت فرمانده کل قوا با این نبوغ فروانی که دارند رُئی از " برید من ها " را که در نظام ارتش افغانستان تسجیل شده اند با گویش " برید ملا " و با لهجه بازاری نبوغ فرموده اند .